

بازتحلیل محتوایی مقبوله از جهت تصدی بیان میز حجت از لاجت یا بیان مرجحات و ترتیب آنها

بر اساس سیری که در اخبار علاجیه داشتیم از اخبار مبین لزوم اخذ به ذوالمرجح در مقابل فاقده، تنها مقبوله ابن حنظله باقی ماند؛ و تا الان مشکلاتی که برای این روایت در این بیان و دلالت، مطرح شد (از ضعف سند، اختصاصش به باب قضا و عصر حضور)، همه را پاسخ دادیم.

لکن جهت مهمی که باید به آن بپردازیم و سرنوشت مقبوله به آن وابسته است، طرح این جهت و پرسش است که آیا آن چه در مقبوله از سوی امام - علیه السلام - مطرح شده، بیان سنجه‌های تمیز حجت از لاجت است (تا به بحث کنونی ما مربوط نباشد) یا بیان مرجحات است و تغلیب حجت بر حجت؟ یا باید نسبت به سنجه‌های مذکور در مقبوله تفصیل داد؟

پرسش دیگر این که آیا امام - علیه السلام - در بیان سنجه‌های پنج گانه در مقبوله - به ترتیب سنجه‌ها - مطابق ردیف ذکرشده در مقبوله نظر داشته‌اند یا خیر؟

تتبع

نسبت به جهت اول قبلا به برخی اندیشه‌ها اشاره شد: از نظری که روایت را در مقام بیان سنجه‌های ترجیح میداند مطلقا، چه نقطه شروع از همان اول (صفات راوی) باشد و چه از سنجه‌های بعد (بنابر این که سنجه اول مربوط به باب قضا است)¹ و نظری که روایت را خارج از بیان سنجه‌های ترجیح و تغلیب حجت بر حجت می‌بیند² و نظر یا وجهی که آغاز حدیث را (در بیان سنجه اول و دوم) مبین سنجه‌های ترجیح به حساب می‌آورد و در ادامه به بیان سنجه‌های حجت از لاجت پرداخته است. البته در این که در این صورت چگونه می‌توان از روایت دفاع کرد تا حدودی وابسته به موضع ما نسبت به جهت و پرسش دوم است، در ارتباط با این که آیا در بیان سنجه‌ها، ترتیبی مورد نظر امام - علیه السلام - بوده است یا نه؟ طبیعی است که جواب معمول و مطابق ظاهر اولی مقبوله این است که در بیان سنجه‌ها، ترتیب مورد نظر است، لکن برخی اصولی‌های مورد توجه با این اندیشه مخالفت کرده و صریحا گفته‌اند:

«...والی ما ذکرناه نظر المحقق الخراسانی - قدس سره - فی ما أفاد من عدم الترتیب بین المرجحات و وقوع التزاحم بینها فی ما لو وجد فی احد المتعارضین مرجح و فی الآخر آخر...»³

قهرها اگر ترتیبی در کار نباشد، راحت‌تر می‌توان در جنس سنجه‌ها تفصیل داد و به وجه سوم قائل شد!

1. ر. ک: فوائد الاصول، ج 4، ص 785.

2. الرسائل، ج 2، ص 67 و 72.

3. نهاية الافکار، قسم دوم از جزء چهارم، ص 203.

تحقیق

گرچه ما هم، در گذشته نکاتی در ارتباط با موضوع اول، بیان کرده‌ایم، لکن در ختم تحقیق، به بازتحلیل مفاد روایت می‌پردازیم.

طبیعی است که آن چه در این مجال مطرح می‌گردد رأی مختار و - انشاء الله تعالی - نهایی ما در پیوند با این مقبوله است.

بازتحلیل مفاد مقبوله در ارتباط با موضوع اول

به اعتقاد ما (و با رفت و برگشت - بدون مبالغه - چند ده باره در چند ده ساله در روایت) روایت:

1. هر چند در بیان سنجه اول، مبین ترجیح حکم یک قاضی بر حکم قاضی دیگر است، اما به راحتی برای ترجیح در مقام فتوا هم به کار می‌آید. البته اگر می‌خواستیم از روایت برای رد تخییر یا توقف استفاده کنیم، پاسخ داده می‌شد که این روایت مربوط به باب قضا است و عدم ذکر تخییر یا توقف در آن، دلیل بر مردود بودن آن‌ها نیست. ضمناً این روایت، قابل مقایسه با روایت داود بن حصین نیست؛ تا گفته شود، پس چرا آن روایت را از گردونه بحث مربوط به مقام فتوا خارج ساختید. کافی است متن دو روایت را با هم مقایسه نمایید تا به این نکته پی ببرید.

2. متن روایت به گونه‌ای است که آشکارا می‌رساند فرض روایت، طرح تعارض ادله و روایات معتبر فی نفسه است، به گونه‌ای که اگر مشکل تعارض نبود، حتماً به هر دو طرف اخذ می‌شد. تعبیر «اعدل، افقه، اصدق و اورع» در شروع روایت این پیام را می‌رساند. این فرض تا آخر هم باقی است و تا مانع غیر قابل حلی پیش نیاید، نباید از این فرض دست برداشت. این مانع به نظر ما وجود ندارد. (در ادامه توضیح می‌دهیم)

منشا شناسی توهّم بودن روایت ابن حنظله در مقام تمییز حجت از لاحجت

3. برخی که بر این باورند: روایت به صدد تمییز حجت از لاحجت است؛ منشأ اعتقادشان این است که امام - علیه السلام - در سنجه دوم به شهرت و اجماع در مقابل شاذ غیر مشهور و در سنجه سوم به موافقت با کتاب و سنت و مخالفت با عامه و در سنجه چهارم به مخالفت با عامه اشاره کرده‌اند و این سنجه‌ها، سنجه‌های تمییز حجت از لاحجت است نه ترجیح و تغلیب حجت بر حجت! به ویژه با تعبیری که از امام - علیه السلام - در سنجه دوم به کار رفته (فان المجمع علیه لا ریب فیه) و در سنجه چهارم (ما خالف العامة ففیه الرشاد).

و مگر می‌شود مخالف کتاب و سنت قطعی را فی نفسه معتبر شمرد یا موافق عامه را که احتمال صدورش بر وجه تقیه لطمه به یکی از ارکان حجیت روایت می‌زند فی نفسه معتبر شمرد و حذفش را در صحن استنباط تنها به تعارض مستند کرد؟! لکن این سخنان، همگی جواب دارد، بدین قرار: